

نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل‌گیری خانه* (مقایسه خانه‌های قاجاری گیلان و بوشهر)

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۰۲/۲۹

حسنا ورمقانی** - حسین سلطانزاده***

چکیده

جنسیت، بیانگر هویت اجتماعی و فرهنگی زن و مرد در جامعه است که با توجه به عوامل متعدد از قبیل باورهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها، سطح آزادی‌های زن و مرد در خانواده و جامعه، ساختار قدرت (پدرسالاری و مادرسالاری) و میزان همکاری دو جنس در تأمین معیشت دارای تعادل یا عدم تعادل می‌شود. هدف مقاله حاضر، بررسی درجه اهمیت، ابعاد و مؤلفه‌های جنسیت در شکل‌دهی به مسکن سنتی است. به همین منظور، با گزینش شش نمونه موردی از خانه‌های قاجاری در بافت قدیم رشت و بوشهر، تأثیر شیوه‌های معیشتی و جنسیت بر ساختار شکلی و فضایی خانه‌ها بررسی می‌شود. در این مقاله با استفاده از روش تحقیق تطبیقی و نمونه موردی عناصر کالبدی و فضایی خانه‌ها شامل ورودی، مهمان‌خانه، اتاق نشیمن و مطبخ با یکدیگر مقایسه شده و نشان می‌دهد که در خانه‌های سنتی بوشهر گسترش قلمروهای جنسیتی، تفکیک‌پذیری فضاها و مرزبندی عرصه‌ها، بازتاب معیشت مردانه و کار خانگی زنان بوده اما معیشت تعاملی در گیلان، مرزهای جنسیت‌ها و حریم‌های فیزیکی خانه‌ها را تقلیل داده است. نتیجه تحلیل‌های ارائه شده نشان می‌دهد اقلیم، فرهنگ و شیوه‌های معیشت بر ساخت جنسیت اثرگذار بوده و تفاوت در ساختارهای جنسیتی دو جامعه، تغییرات بارزی در شکل‌گیری کالبد خانه‌ها ایجاد می‌کند. لذا عوامل نشأت گرفته از جنسیت نظیر قلمروهای جنسیتی، سلسله‌مراتب فضایی، حریم و محرمیت، هویت‌بخش مسکن در گیلان و بوشهر می‌باشند.

واژگان کلیدی: جنسیت، فرهنگ معیشتی، شکل خانه، گیلان، بوشهر.

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان رابطه جنسیت و فضا در واحدهای مسکونی دوره قاجار (خانه‌های شهری گیلان و مازندران) به راهنمایی نویسنده دوم در گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

** دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

مسأله جنسیت^۱، مسأله‌ای قابل تطبیق بنا بر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که با تغییر جامعه (به لحاظ مکانی و زمانی)، تغییر می‌کند. تفاوت در نقش‌های جنسیتی^۲ بر اساس عواملی مختلف از قبیل وضع اقتصادی، محیط زیست، راهبردهای سازگاری و درجه پیچیدگی جوامع تعریف می‌شود و به صورت بدیهیات در مورد مشخصه‌های زن یا مرد بودن در اذهان جوامع نقش می‌بندد. "گوناگونی نقطه‌نظرها با پدیده‌های اجتماعی مرتبط با جنسیت در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به صورت‌های متنوع نمود پیدا می‌کند" (Nersisianse, 2012, p. 60). در موضوع رابطه جنسیت- فضا در جامعه سنتی، تأثیرپذیری جنسیت از فرهنگ معیشتی^۳ مورد توجه است. شیوه‌های معیشت، نقش‌های جنسیتی را رقم می‌زند و نحوه نگرش به جنسیت را شکل می‌دهد. فرضیه عمومی پژوهش آن است که شیوه‌های متفاوت معیشت سنتی در گیلان و بوشهر، تعریف جنسیت در این دو منطقه را متفاوت نموده و این موضوع در ساختار شکلی خانه‌های سنتی قابل مشاهده است. برای سنجش این فرضیه، پس از بررسی ادبیات موضوع و به منظور تدقیق مسأله، تعدادی از خانه‌های سنتی که متعلق به دوره قاجار است، انتخاب و عناصر کالبدی و فضایی آن‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سپس رابطه جنسیت- فضا از طریق بررسی سه موضوع قلمروهای جنسیتی، سلسله‌مراتب فضایی، حریم و محرمیت در خانه‌های دو اقلیم، مورد ارزیابی و مقایسه قرار می‌گیرد. بنابراین پرسش‌های این مقاله عبارتند از: (۱) آیا شکل‌گیری خانه‌های قاجاری با جنسیت و فرهنگ معیشتی در گیلان و بوشهر مرتبط است؟ (۲) با توجه به تطبیق‌پذیر بودن جنسیت، آیا بازتاب شکلی و فضایی خانه‌ها نیز در دو منطقه از این امر تبعیت می‌کند یا خیر؟ (۳) کدام عناصر شکلی و فضایی در خانه‌های مورد بررسی، مشخص‌کننده تفاوت‌های جنسیتی منطبق بر شیوه معیشت است.

۱. رابطه جنسیت و شیوه معیشت

عواملی که می‌تواند بر نقش جنسیتی تأثیر بگذارد، در سه دسته کلی قابل بیان است: جنبه‌های فرهنگی، جنبه‌های مکانی- جغرافیایی و جنبه‌های معیشتی. شکل ۱، هریک از این عوامل را تشریح می‌نماید.

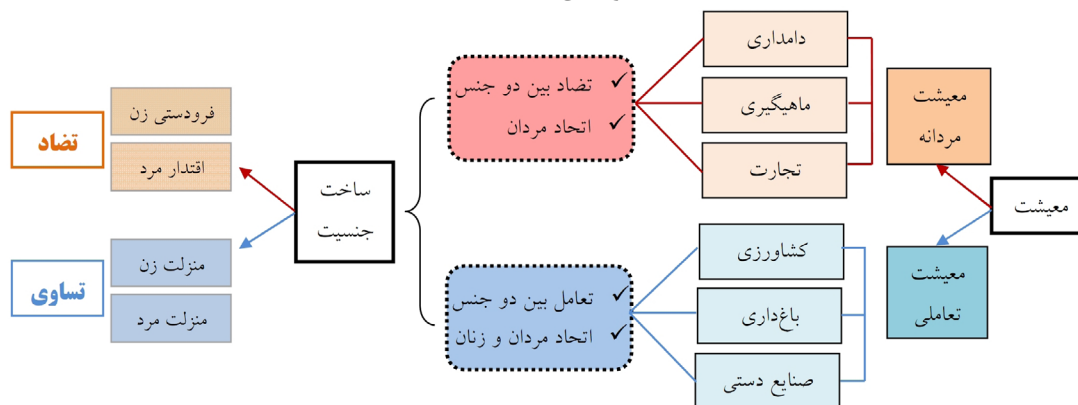
شکل ۱: مؤلفه‌های مؤثر بر مقوله جنسیت

مؤلفه‌های جنسیت		
جنبه‌های مکانی- جغرافیایی	جنبه‌های معیشتی	جنبه‌های فرهنگی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ سطح امنیت در جامعه ✓ امکانات و منابع محیطی ✓ عوامل اقلیمی و آب و هوایی 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ سهم زن و مرد در تأمین معاش ✓ نوع فعالیت‌های معیشتی مردانه ✓ نوع فعالیت‌های معیشتی زنانه ✓ نسبت تولید و درآمد زن به مرد 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ انتظارات جامعه از زن یا مرد بودن ✓ ارتباط اعضای خانواده ✓ شیوه ملاقات با دیگران ✓ حضور زنان در جامعه ✓ باهم انجام دادن فعالیت‌ها

آن استولر^۴، وضعیت اقتصادی را مبنای نقش جنسیت می‌داند. او می‌گوید آزادی و قدرت منتج از اقتصاد است (Stoller, 1977, p. 93). کانی^۵ در این باره می‌گوید هرچه اختلاف منابع اقتصادی و اجتماعی بین زن و مرد بیشتر باشد اختلاف قدرت بین زن و مردها هم بیشتر می‌شود (Movahed et al., 2013, p. 164). بلاد^۶ نیز معتقد است: "فرد نان‌آور تصمیم‌گیرنده است و قدرت فرد دیگر نادیده گرفته می‌شود (Blood, 1972, p. 157). معمولاً هرگاه دو فضای خانگی و عمومی کاملاً از هم مجزا شود، کسانی که خارج از خانه کار و فعالیت می‌کنند وجهه بیشتری کسب می‌کنند (Martin & Voorihles, 1975, p. 231).

در جوامع مادر تبار ۶۴ درصد کارها توسط زن‌ها صورت می‌گیرد و در جوامع پدر تبار تنها ۳۰ درصد کار تولید را زنان انجام می‌دهند (Martin & Voorihles, 1975, p. 263). در کشاورزی با گاواهن، قشر بندی جنسیتی^۷ تشدید می‌شود؛ چون در این نوع کشاورزی مرد به‌طور عمده مسئول تأمین معاش است. هم‌چنین در جوامع دام‌دار، نقش‌های جنسیتی از یکدیگر متفاوت هستند. تفاوت و تمایز بین کار خانگی زن و کار تولیدی مرد در خارج از خانه، موجب تضاد بین دو جنس می‌شود؛ در نتیجه مرد به‌عنوان عنصری مقتدر که در محیط عمومی فعالیت دارد و زن به‌عنوان عنصری فرودست، خانگی و متعلق به دنیای اندرونی است. "جایگاه جنسیتی وقتی می‌تواند حالت متعادل‌تر داشته باشد که فعالیت‌ها در دو بخش اندرونی و بیرونی کاملاً از هم متمایز نباشند" (Nersisianse, 2012, p. 60). شکل ۲ بیانگر رابطه بین شیوه‌های معیشت و ساختار جنسیت است.

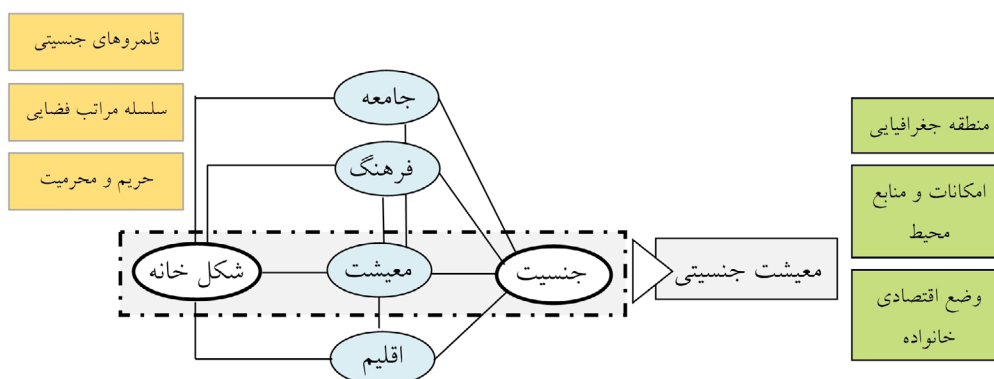
شکل ۲: ارتباط شیوه‌های معیشت و ساخت جنسیت



۲. جنسیت و شکل خانه

راپاپورت^۸ مناسبات جنسیتی را به‌عنوان بخشی از عوامل فرهنگی-اجتماعی می‌داند که در نحوه شکل‌گیری خانه نقش دارد: "خصوصیاتی مانند نوع و زمان ارتباط اعضای خانواده، حضور زنان در جامعه و میزان و چگونگی ارتباط مرد و زن در بیرون از خانه و درون آن در شکل‌گیری مسکن هر دوره تاریخی مؤثر بوده‌اند" (Rapaport, 1969, pp. 60-63). به اعتقاد وی، عامل فرهنگ که شامل اعتقادات مذهبی، روش زندگی و همچنین شیوه ارتباطات اجتماعی افراد است، نقش مؤثری در سازمان تقسیمات فضایی مسکن داشته است (Rapaport, 1969, p. 47). اریکسون^۹ کاربرد اجتماعی سکونت را به‌عنوان ابزاری می‌داند که امکان باهم انجام دادن فعالیت‌ها را برای مردم به وجود می‌آورد و یا می‌تواند برای فعالیت‌های جمعی مانع باشد (Erikson, 1994, p. 125). در نظر پالاسما^{۱۰}، خانه را نمی‌توان یک‌باره پدید آورد، بلکه از نظر زمان از تداوم برخوردار است (Palasma, 2011, p. 117). بنابراین خانه تنها به پدیدآوری کیفیات جوی محیط اکتفا نکرده و باید خلق و خوی آن فعالیت‌هایی که درونش جریان می‌یابند را نیز آشکار سازد (Shultz, 2006, p. 144). به‌طور کلی جامعه، اقلیم، فرهنگ و معیشت از سویی بر ساختار جنسیت و از سوی دیگر بر ساختار مسکن تأثیر دارند. در جامعه سنتی جنسیت در ارتباط با شیوه‌های معیشت و ساختار مسکن نیز در ارتباط با تعریف جنسیت، دارای مؤلفه‌هایی است که در شکل ۳ معرفی شده است:

شکل ۳: مؤلفه‌های جنسیت و تأثیر آن بر شکل خانه



۳. تفاوت جنسیت و معیشت در مناطق مورد بررسی

۳-۱- معیشت تعاملی در گیلان

سرزمین گیلان به‌دلیل رطوبت زیاد و بارش‌های طولانی، وفور آب و وجود زمین‌های حاصلخیز، محیط مناسبی برای کشاورزی و به‌ویژه کشت برنج است. از سوی دیگر به‌دلیل همین شرایط آب و هوایی، گوسفند و بز قابل نگهداری نیستند. در کوهپایه‌های گیلان که زمین مناسب شالیکاری کمتر یافت می‌شود، به‌دلیل شیب ملایم زمین، کشاورزی و برنج‌کاری جای خود را به باغداری می‌دهد. در این مناطق چای‌کاری و دامداری عمده مشغله مردم است (Khakpoor, 2006, p. 67). در این منطقه از آنجایی که همه اعضا در کار گردآوری معاش به‌طور مستمر مشارکت داشته‌اند، تفاوت‌های حقوقی در

بین زن و مرد به نسبت محیط‌های دیگر بسیار اندک بوده است. کسب درآمد توسط زنان موجب ارتقای مقام و منزلت اجتماعی زنان در خانواده شده، موقعیت و پایگاهی خاص به آنان می‌بخشید.

۲-۳- معیشت جنسیتی در بوشهر

در بوشهر به علت کمبود آب و زمین‌های مورد نیاز برای کشاورزی، مهاجرت مردان به مناطق اطراف برای کار و امرار معاش و نیز کرانه خلیج فارس برای صید ماهی و تجارت با کشورهای همسایه رواج داشته است. برداشت خرما و حصیربافی توسط مردان صورت می‌گرفته است. لنج و قایق‌سازی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین صنایع بوشهر است. ریسندگی، بافت گلیم و گبه مشاغلی خانگی بودند که توسط زنان و دختران انجام می‌شد (Mashayekh et al., 2013, pp. 103-109). در بوشهر به علت محدودیت کشاورزی و باغداری، دوگانگی زندگی داخلی و خارجی به گونه‌ای توسعه یافته بود که مردها بیش از زن‌ها در حرکت بودند. هم‌چنین با وجود کار لنج‌سازی و نیز برداشت خرما، پسرها بیش از دخترها در خارج از خانه به سر می‌بردند. شرایط مکانی-جغرافیایی در بوشهر، موجب شده است که بخش عمده تأمین معیشت در اختیار مردان قرار گیرد و زنان بنا بر نقش‌های جنسیتی که جامعه به آنان محول نموده در محدوده کار خانگی قرار گیرند. تأثیر این تفاوت‌های جنسیتی در کالبد مسکن، ایجاد قلمروهای جنسیتی، سلسله‌مراتب فضایی و حریم‌های مشخص بوده است. جدایی جنسیتی در تأمین معاش موجب تمایز نقش اجتماعی زنان و مردان و نیز تمایز قلمروهای جنسیتی شده است. مانوئل کاستلز در تحلیل روابط پدرسالارانه متذکر می‌شود که "سرزمین آسیا با روند تمدن مغرب زمین همراه نبوده و به ندرت پدرسالاری در آن به چالش طلبیده می‌شود" (Castles, 2002, pp. 229-230). جدول ۱، منابع معیشت در گیلان و بوشهر و رابطه آن با جنسیت را بیان می‌کند.

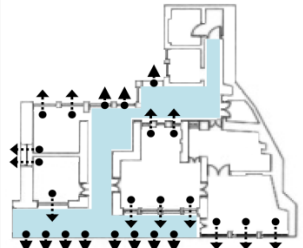




جدول ۱: منابع معیشت و رابطه آن با جنسیت در گیلان و بوشهر

معیشت در گیلان				معیشت در بوشهر			
شیوه معیشت	میزان تولید	جنس عهده‌دار	نوع معیشت	شیوه معیشت	میزان تولید	جنس عهده‌دار	نوع معیشت
مردانه	محدود	مرد	دامداری	مردانه	گسترده	مرد	شترداری
مردانه	محدود	مرد	صید ماهی	مردانه	گسترده	مرد	صید ماهی
	محدود	مرد	صید پرند		محدود	مرد	صید صدف
تعاملی	گسترده	زن و مرد	چاپکاری	تعاملی	محدود	زن و مرد	کشاورزی
	گسترده	زن و مرد	برنج‌کاری				
خانگی	محدود	عمدتاً زن	ابریشم	خانگی	گسترده	عمدتاً مرد	حصیربافی
	محدود	عمدتاً زن	حصیربافی		گسترده	زن	عبا بافی
	محدود	عمدتاً زن	جاجیم		محدود	زن	گلیم، گبه
تعاملی	گسترده	عمدتاً زن	باغ چای	مردانه	گسترده	عمدتاً مرد	برداشت خرما
	گسترده	عمدتاً زن	مرکبات	تعاملی	محدود	زن و مرد	مرکبات
تعاملی	گسترده	عمدتاً زن	نوغان‌داری	مردانه	گسترده	مرد	تجارت
مردانه	گسترده	عمدتاً مرد	زنبورداری	مردانه	گسترده	مرد	قایق و لنج‌سازی

۴. مقایسه ساختار شکلی خانه‌ها

مقایسه جنسیت در دو اقلیم شمال و جنوب کشور ما را به این نتیجه می‌رساند که جنسیت، معلول شرایط زیستی، بومی و معیشتی است. جدول ۲ تطبیق‌پذیری مسکن با جنسیت و فرهنگ معیشتی را نشان می‌دهد.

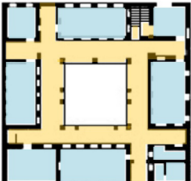
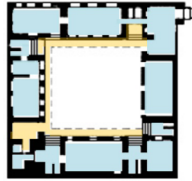
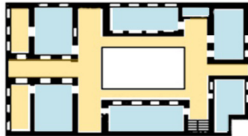

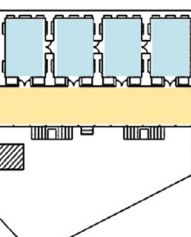
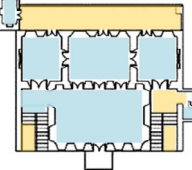
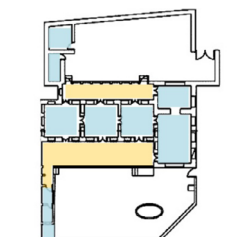
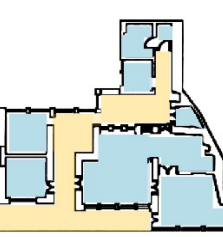
جدول ۲: تطبیق‌پذیری مسکن با جنسیت و فرهنگ معیشتی

نمونه پلان مسکن	تطبیق‌پذیری مسکن	جنسیت و فرهنگ معیشتی
		
ایوان عنصر ارتباط عرصه‌های خصوصی و عمومی است	همکاری زنان و مردان گیلانی در تأمین معیشت، موجب کاهش حصارهای جنسیتی در درون و بیرون مسکن می‌شود.	
مهمان‌خانه در ارتباط مستقیم با عرصه عمومی است (عدم نیاز به حریمیت)		
نشیمن خصوصی ارتباط غیرمستقیم با عرصه خارجی دارد (نیاز به حریمیت)	کار خانگی زنان و عرصه عمومی مردانه در بوشهر، موجب گسترش قلمروهای جنسیتی و تفکیک عرصه‌ها می‌شود.	

۵. معرفی خانه‌های مورد مطالعه

در پژوهش حاضر با انتخاب تعدادی از خانه‌های سنتی در بافت قدیم بوشهر و رشت، به تحلیل و مقایسه عناصر کالبدی خانه‌ها پرداخته می‌شود. برای این منظور تعداد ۴ خانه در بوشهر و ۴ خانه در رشت به‌عنوان نمونه‌های موردی برگزیده شده است؛ معیار انتخاب‌ها، نشان دادن بیشترین تغییرات در ساختار و شکل خانه‌ها می‌باشد. هم‌چنین تمامی خانه‌ها متعلق به دوره قاجار می‌باشند. جدول ۳ خانه‌های قاجاری مورد مطالعه در پژوهش حاضر را معرفی می‌نماید.

جدول ۳: معرفی خانه‌های مورد مطالعه و موقعیت آن‌ها

خانه‌های بوشهر	خانه طایب، بوشهر، محله بهبهانی	خانه گلشن، بوشهر، محله بهبهانی	خانه نودری، بوشهر، محله کوتی	خانه طاهری، محله بهبهانی
				
خانه عالمی، رشت، محله نقره دشت	خانه طارمسری، رشت، گذر سوخته‌تکیه	خانه مرزبان، رشت، محله ساغریسان	خانه‌ای در بافت قدیم شهر رشت	
				
خانه‌های گیلان				

(۱) پلان خانه‌های بوشهر (Hedayat & Tabaieian, 2013, pp. 47-48) (۲) پلان خانه‌های رشت (Khakpoor et al., 2011, pp.)

۶. تحلیل عناصر کالبدی خانه‌ها

در جنوب ایران، خانه‌ها دارای حیاط مرکزی و اتاق‌های متعدد هستند. تعدد اتاق‌ها، تفکیک عملکردها را در پی داشته و قلمروهای مجزای جنسیتی را نیز ایجاد کرده است. اما در خانه‌های گیلان، تعداد اتاق‌ها از ۳ یا ۴ اتاق تجاوز نمی‌کند؛ بنابراین قلمروهای جنسیتی نه در عناصر کالبدی خانه بلکه در قالب فعالیت‌ها بروز می‌یابد. در بوشهر جدایی حریم‌ها تا جدا شدن کامل فضای مهمان (مرد) از کل خانه انجام شده است. اما در گیلان، اتاق مهمان ضمن قرار داشتن در بهترین مکان، حداکثر هم‌پیوندی را با عرصه‌های خصوصی داشته و حتی در اوقات دیگر نیز مورد استفاده فعالیت‌های روزمره ساکنان قرار می‌گرفته است. موضوع رابطه زن و مرد و تفاوت دیدگاه‌ها به جنسیت در دو اقلیم مورد بررسی را می‌توان در تحلیل عناصر کالبدی خانه‌ها از قبیل ورودی، مهمان‌خانه، نشیمن خانوادگی، مطبخ و ایوان مورد ارزیابی و مقایسه قرار داد.

۱-۶- ورودی

در خانه‌های گیلان، حصار به مفهوم سد بصری نیست؛ بلکه عموماً به‌عنوان مرز تعیین‌کننده حدود خصوصی به‌کار می‌رود. اما در بوشهر، هشتی و دالان ورودی، کوبه‌های زنانه و مردانه و دیوارهای بلند خانه، بر جدایی قاطع بین عرصه خصوصی (زنانه) و عرصه عمومی (مردانه) تأکید می‌کند. یکی از عناصر جالب در خانه‌های بوشهر، دیواری به نام «خواجه واگردان» است که در مقابل درگاه ورودی قرار می‌گیرد و اجازه ورود مهمانان نامحرم را به عرصه خصوصی صلب نموده و به سمت مهمان‌خانه (مضيف) هدایت می‌کند. اگرچه محصوریت بنا تا حد زیادی به شرایط نامساعد اقلیمی مربوط می‌شود، اما وجود حیاط‌های متعدد، مضیف و دیوار خواجه واگردان و عدم وجود این عناصر در خانه‌های شمال ایران، با الزام برقراری حریم‌های جنسیتی مرتبط است.

۲-۶- مهمان‌خانه

در فرهنگ مردم جنوب، تجمع مردان خویشاوند و همسایه در مهمان‌خانه یکی از اوقات بعدازظهر مرسوم بوده است. این رفتار، لزوم جداسازی مهمان‌خانه (مضيف) را از سایر بخش‌های خانه ایجاب می‌کرده است. مضیف محل پذیرایی از مهمان‌های مرد خانواده است که عموماً نزدیک ورودی قرار گرفته و مستقیماً به هشتی باز می‌شده است؛ در بعضی موارد در طبقه دوم واقع شده و توسط پله مستقیماً با هشتی ارتباط برقرار می‌کند. برخلاف خانه‌های بوشهر، مهمان‌خانه برای ساکنان شمال ایران از عرصه زندگی خانوادگی جدا نیست، و تنها عامل جداسازی اتاق مهمان و فضای نشیمن، پله‌های بین این دو عرصه است؛ مهمان‌خانه (تلاز اتاق) بخشی از ایوان (تلاز) است که برای احترام نهادن به مهمان مرتفع‌تر ساخته شده و از ظاهر مناسب‌تری برخوردار است. در برخی الگوها اولین اتاق بعد از ورود به ایوان را به‌عنوان اتاق مهمان در نظر می‌گرفتند که جداسازی یا فاصله با اتاق‌های خصوصی خانه مدنظر نبوده است. در این اتاق تفکیک جنسیتی فضا، نه با عناصر کالبدی بلکه در قالب فعالیت‌ها صورت می‌گرفته است. «اتاق دیگر که نیم طبقه از تلاز اتاق پایین‌تر است، اتاق اصلی زیست افراد خانواده بوده و در اوقات مختلف سال علی‌الخصوص زمستان نقش ایفا می‌کند» (Khakpoor, 2006, p. 70). موقعیت مهمان‌خانه در بوشهر و گیلان در شکل ۴ مقایسه شده است.


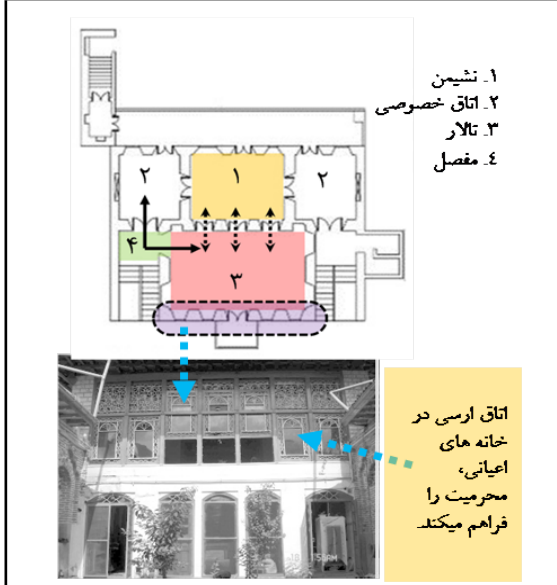
شکل ۴: مقایسه تعریف مهمان‌خانه متناسب با تعریف جنسیت

مضیف یا دیوانیه (مهمان‌خانه در بوشهر)	تلاز اتاق (مهمان‌خانه در گیلان)
<p>پله مستقیماً از هشتی به مضیف در طبقه بالا میرود.</p> <p>مطبخ با حائل فضایی، و تنها با حیاط ارتباط دارد.</p> <p>۱. هشتی، ۲. مضیف، ۳. اتاق خصوصی، ۴. مطبخ، ۵. سرویس</p>	<p>۱. مهمانخانه ۲. اتاق طبقه پایین ۳. تلاز ۴. ایوان طبقه پایین</p> <p>تلاز ایوان مهمانخانه</p>
جداسازی مضیف از عرصه خصوصی خانه	ارتباط نزدیک مهمان‌خانه و ایوان (نشیمن تابستانی)

۳-۶- نشیمن خانوادگی

در بوشهر، اتاق‌ها نیازمند کوران دو طرفه هوا می‌باشند. از سوی دیگر، باور به حفظ محرمت در فرهنگ ساکنان جنوب، موجب محصوریت بیشتر بازشوهای اتاق نشیمن خانوادگی و بخش اندرونی نسبت به اتاق‌های بیرونی و مهمان‌خانه می‌شود. این اتاق (شناسیل) جزء خنک‌ترین فضاهای خانه محسوب شده و دارای بازشوهای مشبک چوبی به سمت گذر است. بنابراین مشبک بودن شناسیل، ضمن خنک کردن فضا، مانع از دید بیرون به درون و تداخل گذر عمومی و عرصه خصوصی خانوادگی می‌شود. نشیمن در خانه‌های گیلان، فضای نیمه محصور ایوان است که از نظر عملکردی یکی از شاخصه‌های زندگی خانوادگی و محل اجتماع اعضای خانواده است. «ایوان فضایی است که در آن‌جا اعضای خانواده بر سر یک سفره می‌نشینند و استراحت می‌کنند و زنان هم مشغول کار می‌شوند» (Bromberjer, 1992, p. 110). اما ایوان در خانه‌های اعیانی گیلان باریک‌تر بوده و تنها به فضایی برای رفت و آمد خدمتکاران و ارتباط اتاق‌ها تبدیل می‌شود و نشیمن خانوادگی به اتاق ارسی انتقال می‌یابد که دید وسیع به بیرون داشته اما دید از بیرون به درون را صلب می‌نماید. این موضوع به دلیل وابستگی متغیر جنسیت به متغیر طبقه اجتماعی و شیوه معیشت است. به این معنا که در طبقات اجتماعی مرفه - از آن‌جا که مردان به کار تجارت مشغول بوده و زنان در تأمین معاش دخالتی نداشته‌اند- زنان اعیان از ارتباط کمتری با عرصه عمومی برخوردار بوده و حضور آنان در عرصه عمومی توجیهی نداشته است. عناصر محرمت در عرصه زندگی خانوادگی در شکل ۵ مقایسه شده است.

شکل ۵: مقایسه عناصر محرمت در عرصه زندگی خانوادگی

موقعیت نشیمن در خانه‌های بوشهر	موقعیت نشیمن در خانه‌های گیلان
	
<ul style="list-style-type: none"> • طبقه همکف با حفظ محرمت، بازشو بیرونی ندارد. • نشیمن در طبقه بالا و دارای مشبک چوبی است. 	<ul style="list-style-type: none"> • نشیمن و تالار ارتباط بی‌واسطه با یکدیگر دارند. • اتاق خصوصی و تالار تنها با یک مفصل به هم مرتبطند.

۴-۶- مطبخ

مطبخ در مسکن سنتی بوشهر با طاقچه‌های زیاد، در کنج حیاط نزدیک به ایوان عمیق، ساخته شده و فقط به حیاط راه دارد. ارتباط با حیاط نیز بلاواسطه نبوده بلکه فضای میانجی بین این دو عرصه نیز وجود داشته است. در خانه‌های دو حیاطه «آشپزخانه بین بخش اندرونی و بیرونی قرار دارد تا امکان دسترسی به آن از هر دو بخش میسر باشد» (Ghobadian, 2004, p. 81). در خانه‌های گیلان، اتاق مشخصی برای آشپزخانه نمی‌توان بیان نمود. بخشی از فعالیت آشپزی درون ایوان و یا در فضای بسته و در انتهای خانه انجام می‌گیرد و در مواردی انباری و آشپزخانه در طبقه اول در هم ادغام شده‌اند. فعالیت پخت‌وپز بنا به فصول مختلف سال در فضاهای مختلف خانه انجام می‌شده است. بنابراین آشپزخانه در خانه‌های گیلان، فضایی تفکیک شده و حائل‌بندی شده نیست بلکه در ارتباط با سایر عرصه‌های خانه قرار دارد. از بررسی عناصر کالبدی خانه‌ها در دو منطقه مورد مطالعه، الگوهای متفاوت جنسیت-فضا به دست می‌آید که در جدول ۴ خلاصه شده است.

جدول ۴: الگوهای متفاوت جنسیت - فضا در خانه‌های گیلان و بوشهر

الگوی فضا	رابطه معیشت مردانه و ساختار خانه‌های بوشهر	رابطه معیشت تعاملی و ساختار خانه‌های گیلان
ورودی	دالان غیرمستقیم و هشتی، ورودی را تعریف کرده که ارتباط مستقیم با مضيف و ارتباط غیرمستقیم با عرصه خانوادگی دارد.	ورودی مستقیم، بدون حایل و مفصل و در ارتباط بی‌واسطه با عرصه خصوصی است.
مهمان‌خانه	مهمان‌خانه مجزا از حوزه خصوصی است که به دلیل موقعیت قرارگیری خود، شاخص شده است.	مهمان‌خانه به لحاظ حرمت نهادن به مهمان، در طبقه بالا قرار دارد و مرز آن با عرصه خصوصی، پله‌های نمایان می‌باشد.
نشیمن خانوادگی	پنجره‌های مشبک چوبی، فضای خنک و محصور نشیمن خانوادگی را فراهم می‌کند. اتاق‌ها ارتباط مستقیم باهم ندارند بلکه با دالان از یکدیگر جدا می‌شوند.	ایوان در فصل گرم و اتاق‌ها در فصل سرد، نشیمن خانوادگی را تشکیل می‌دهند و با سایر فضاها رابطه مستقیم دارند و دالان یا فضای واسط مابین آن‌ها وجود ندارد.
مطبخ	مطبخ فضایی مشخص در کنج حیاط نزدیک به ایوان عمیق و در ارتباط با واسطه با حیاط قرار دارد و به سمت فضای خارجی باز شو ندارد.	مطبخ فضایی تفکیک شده نیست؛ بلکه در ارتباط با سایر عرصه‌های خانه قرار دارد و حتی فعالیت آشپزی قابل انتقال به سایر عرصه‌ها است.

۷. موضوعات مرتبط با جنسیت در شکل‌یابی فضاها

۷-۱ - قلمروهای جنسیتی

موضوع مهم در زمینه رابطه جنسیت و فضا، چگونگی شکل دادن به عرصه‌های جنسیتی است که در قالب تفکیک یا پیوستگی عرصه‌های عمومی و خصوصی و درجه محصوریت فضاها، نمود کالبدی می‌یابد. در خانه‌های گیلان فضا تنوع‌پذیر است. ساخت فضاها متعدد با کارکردهای مجزا و احداث قلمروهای جنسیتی متمایز در خانه‌ها برای جامعه‌ای که ساعات استفاده از فضاها خصوصی بسیار اندک است، موجه نیست. به همین دلیل در این مناطق، سعی بر استفاده چندگونه از فضاهاست. «از اتاق‌های اصلی خانه به‌ندرت برای انجام کارهای خاص استفاده می‌شود. در واقع این اتاق‌ها بر حسب نقش‌هایی دائمی که ممکن است برعهده داشته باشند متمایز نمی‌شوند؛ بلکه هر یک از آن‌ها به نوبت و مطابق با آهنگ تغییرات فصلی، مرکز حیات خانوادگی می‌شود» (Bromberjer, 1992, p. 109). اما در خانه‌های بوشهر، زنان به طور دائم و در تمام ساعات روز در فضای اندرونی به سر می‌برند؛ در حالی که «رفت و آمد اهل خانه در قلمروی عمومی، زمان و شرایط خاص خود را داشته است و بر حسب عرف اجتماعی، تخطی از آن مجاز نبوده است» (Habibi, 2012, p. 140). رابطه جنسیت و فضا در خانه‌های بوشهر در ترکیب اندرونی و بیرونی، موانع صلب و دیوارهای بلند شکل یافته است. گرچه درونگرایی خانه‌های بوشهر در مقایسه با خانه‌های گیلان تا حد زیادی به الزامات اقلیمی مربوط می‌شود، اما شیوه قرارگیری مهمان‌خانه (مضيف) و فاصله آن با اتاق‌های خصوصی و مطبخ و نحوه تعریف ورودی خانه‌ها، رابطه مستقیم با تعریف جنسیت در فرهنگ بوشهر دارد. «عملکردهای گوناگون این خانه‌ها نه‌تنها به وسیله حیاط‌های مختلف تقسیم می‌شود، بلکه در هر حیاط نیز طبقات مختلف خانه دارای عملکردهای متفاوتی است» (Ghobadian, 2004, p. 81). جدول ۵، رابطه جنسیت و فضا در خانه‌های گیلان و بوشهر را تشریح می‌نماید.

جدول ۵: رابطه جنسیت و فضا در خانه‌های گیلان و بوشهر

مصدق	کاربری	فضا	جنس فضا	
	موقعیت و ارتباط یکسان اتاق‌ها با هم و با ایوان	فعالیت‌های سکونتی در اوقات گرم	ایوان	خانه‌های گیلان
	سکونت و پذیرایی از مهمان در فصل گرم	تلاز	فضاهای تنوع‌پذیر	
	فعالیت‌های سکونتی در اوقات سرد	اتاق		
	محل سکونت اهل خانه و در هنگام ورود مهمان، محل پذیرایی از مهمان	مهمانخانه		
اتاق‌ها برای هر عملکردی مناسب هستند	انجام فعالیت‌های روزمره	حیاط اصلی حیاط خدماتی	حیاط	خانه‌های بوشهر
	اتاق‌ها برای هر عملکردی مناسب هستند	حیاط واسط		
<p>بین اتاقهای خانه دالانهای تفکیک کننده وجود دارد.</p>	محل زندگی زنان، دختران و اقوام نزدیک	اندرونی	عرصه‌ها	فضاهای ثابت
	تجارخانه مرد، مهمانان مرد و افراد نامحرم	بیرونی		
	فضاهای خدماتی: انبار، آشپزخانه، مال‌التجاره مرد	طبقه همکف	طبقات	
	فضاهای اقامتی، نشیمن	طبقه اول		
	محل پذیرایی از میهمانان مرد	مضيف	جزء فضاها	
	محل پذیرایی موقتی از مراجعان مرد	هشتی		
شناسیل همواره در جبهه غربی و طبقه بالا قرار دارد.		۱. اتاق، ۲. ایوان، ۳. مضیف، ۴. مطبخ، ۵. نشیمن، ۶. شناسیل		
ارتباط آشپزخانه و مضیف به طور غیرمستقیم است.				

۲-۷- سلسله‌مراتب فضایی

عبور از یک فضای همگانی (چه گذر و چه میدان) به صورتی بلافاصل و بی‌واسطه تحقق نمی‌یافته و همواره فضایی به سان یک مفصل، فضای همگانی را از فضای اندرون جدا کرده است (Falamaki, 2007, p. 600). ورودی خانه‌های سنتی در بوشهر واردشوندگان را بر حسب جنس (زن یا مرد) و رابطه آن‌ها با خانواده (رابطه فردی یا جمعی، شخصی یا اجتماعی، کوتاه مدت یا درازمدت) به فضاهای مختلف خانه هدایت می‌کرد (Ramezan Jamaat & Neyestani, 2011, p. 67). معمولاً کوبه مخصوص مردان بر روی لنگه راست و کوبه زنان بر روی لنگه چپ دروازه قرار داشت. پس از گذر از در ورودی بنا به عرصه خصوصی خانه وارد می‌شدند که خود به فضای باز مانند حیاط، فضای نیمه‌باز مانند ایوان سرپوشیده، فضای نیمه‌بسته مانند شناسیل و نیز فضاهای بسته هم‌چون اتاق‌ها تقسیم می‌شده است. اما شیوه‌های معیشت و موقعیت اجتماعی زن در گیلان عاملی برای نفی حجاب‌های مستترکننده درون خانه و کاهش سلسله‌مراتب فضایی بوده است.

۳-۷- حریم و محریمیت

حریم خصوصی به‌عنوان علاقه بنیادین انسان در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شود. این حریم، مکانی است که حدود دارد و نباید بدون دلیل به آن تعرض شود (Hansson, 2008, p. 129). حریم ایجاد مرز می‌کند و به معنای جدایی نیست؛ بلکه در کلیه شئون زندگی و روابط اجتماعی و به تبع آن در معماری تأثیرگذار است (Jabal Ameli, 1996, p. 110). خانه

حریم فرهنگی است که ما را از دیگری جدا می‌کند و در عین حال زندگی و همزیستی ما با دیگران را ممکن می‌نماید (Fazeli, 2008, pp. 35-36). در گیلان متناظر با گستردگی فضای اجتماعی بین داخل و خارج خانه و استفاده محدود از فضای درونی، حریم خانه‌ها شکل نرم‌تر و نفوذپذیری بیشتری داشته، حجاب‌ها و محرمیت‌های فضای زیست به حداقل رسیده و به گونه‌ای متفاوت عرضه می‌شود؛ این موضوع نه به معنی فقدان حریم بلکه شیوه متفاوت ایجاد حریم است. «مانع می‌تواند با توجه به میزان محصوریت، به سه دسته تقسیم شود. حالت اول کاملاً صلب مثلاً یک در، حالت دوم، غیرصلب است و آخری می‌تواند با به‌کارگیری جزئیاتی در کف‌سازی فضاها ایجاد و بیشتر با حالتی روانشناسانه همراه شود. امکان نفوذ به این فضاها از اول به آخر افزایش خواهد یافت» (Chermayeff & Alexander, 1965, p. 12). حریم در خانه‌های گیلان در قالب الگوهای رفتاری و موانع غیرثابت و غیرسازه‌ای اعمال می‌شود. کاهش و افزایش عناصر شکلی و کالبدی برای ایجاد حریم در دو فرهنگ گیلان و بوشهر نشان می‌دهد که «مفهوم حریم از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت می‌کند» (Fazeli, 2008, pp. 35-36). شاخص‌های حریم، عرصه‌بندی و سلسله‌مراتب فضایی خانه‌ها که با جنسیت مرتبطند در جدول ۶ معرفی شده است.

جدول ۶: تأثیر جنسیت بر حریم، عرصه‌بندی و سلسله‌مراتب فضایی خانه‌ها

شاخص‌ها	خانه‌های گیلان		خانه‌های بوشهر
	درجه حریم	کاملاً صلب	دیوار محوطه
حریم داخلی	غیر صلب	ارسی: مانع دید از بیرون به درون تالار و فضای نشیمن	شناسشیر، ارسی
	غیر ثابت	-	-
	کاملاً صلب	دیوار بین اتاق‌ها	دیوار بین اتاق‌ها، دالان بین اتاق‌ها
	غیر صلب	درب مابین اتاق‌ها، پله بین اتاق و تراس، پله بین ایوان (فضای نشیمن) و تالار اتاق (اتاق مهمان)	طارمه، ارسی بین گوشوار (فضای نشیمن زنان) و تالار (نشیمن مردان) در مراسم خاص، پله در چهار گوشه حیاط
عرصه‌بندی	غیر ثابت	ایوان: مانع دید از بیرون به درون	-
		ایوان: حریم نشیمن مردان و زنان	
	شیوه رفتارها	بعدازظهرها: نشستن مردان در بالا و زنان در پایین ایوان	
		وقت مهمانی: نشستن مهمانان مرد در بالا و زنان در پایین تالار اتاق	
ورودی			
سکونت			
مهمان			
خدماتی			
حیاط			
سلسله‌مراتب فضایی	۱	جلوخان درگاه پیرنشین هشتی (دالان ورودی) ایوان (فضای نیمه باز) حیاط (فضای باز) اتاق (فضای بسته)	
	۲		
	۳		
	۴		
	۵		
	۶		
	۷		

۸. جمع‌بندی

نتایج تحلیل‌های تطبیقی عناصر کالبدی و فضایی خانه‌ها نشان می‌دهد که:

۱. فضاهای زیستی در هر دو منطقه، تحت تأثیر جنسیت که واجد خاستگاه‌های فرهنگی، محیطی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی آن منطقه است شکل گرفته؛ سیمایی که با برونگرایی اقلیمی و درونگرایی فرهنگی همساز با اقلیم و فرهنگ نمایان شده است.
۲. در خانه‌های گیلان، فضاهای وابسته به قلمروی خصوصی در اوقات مختلف روز می‌توانند با قلمروی عمومی ترکیب یا تفکیک شوند. اما در بوشهر تنها در شرایط خاص، این مسأله مصداق دارد.
۳. در خانه‌های یک حیاطه بوشهر، اتاق مهمان (مضيف) به‌طور معمول، در نزدیکی دالان ورودی جای می‌گیرد و مهمان بدون وارد شدن به حریم خصوصی خانه در جای خود استقرار می‌یابد. اتاق مهمان در خانه‌های گیلان هم‌پیوندی بالایی با سایر عرصه‌ها داشته، به‌طوری‌که اولین اتاق بعد از ورود به ایوان، یا اتاقی در بالاخانه و یا حتی گاهی بخشی از ایوان را به جایگاه مهمان اختصاص می‌دادند.
۴. سلسله‌مراتب دسترسی در خانه‌های هر دو منطقه به ترتیب عرصه عمومی (کوچه)، نیمه عمومی (حوزه ورودی) و خصوصی (حیاط) می‌باشد. اما میزان تفکیک هر یک از عرصه‌ها در دو اقلیم متفاوت است.
۵. در پلان خانه‌های بوشهر، تفکیک اتاق مهمان از دیگر فضاها علاوه بر استفاده از «موانع» قوی‌تر، با ویژگی «فاصله» و «ورودی مجزا» نیز تلفیق گشته است. اما در خانه‌های گیلان، این سه ویژگی وجود ندارد.
۶. در خانه‌های بوشهر بین وسعت منزل و موانع و عدم نفوذ آسان به اتاق‌های خصوصی رابطه مستقیم وجود دارد و در خانه‌های گیلان بین میزان استفاده از فضای سکونتی و تنوع‌پذیری فضاها رابطه مستقیم وجود دارد.

پی‌نوشت

1. Gender
2. Gender role
3. Livelihood culture
4. Stoller
5. Cooney Rosemary
6. Robert Blood
7. Gender stratification
8. Rapaport
9. Erikson
10. Pallasmaa

References

- Blood, R.O. (1972). *The Family*. New York: The Free Press.
- Bronberger, C. (1992). *Habitat, Architecture et Societe Rurale Dans la Plaine du Gilan*. (A. Gushegir, Trans.). Tehran: Institute for Cultural Studies and Research.
- Castles, M. (2002). *The Rise of the Network Society*. (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Tarhe No.
- Chermayeff, S., & Alexander, C. (1965). *Community and Privacy: Toward a New Architecture of Humanism*. Contributor Publisher Anchor Books Doubleday.
- Erikson, J. (1994). *Dwelling Values Aspects of Housing Quality*. ENHR Conference in Glasgow.
- Falamaki, M.M. (2007). *The Formation of Architecture in the Experiences of Iran and the West*. Tehran: Faza Publication.
- Fazeli, N. (2008). Modernity and Housing, Ethnographic Approach to the Concept of Home, Rural Lifestyle and its Current Transformations. *Journal of Iranian Cultural Research*. 1(1), 25-63.
- Ghobadian, V. (2004). *Climatic Analysis of the Traditional Iranian Buildings*. Tehran: University of Tehran.
- Habibi, A. (2012). Bastac's Traditional Architecture. *Journal of Culture of people*. 10(39), 129-144.
- Hansson, M.G. (2008). *The Private Sphere: An Emotional Territory and Its Agent*. New York: Springer.
- Hedayat, A., & Tabaecian, M. (2013). The Survey of Elements Forming Houses and Their Reasons in the Historical Fabric of Bushehr. *Journal of Architecture in Hot and Dry Climate*. 3(3), 35-52.
- Jabal Ameli, A. (1996). *Esfahan Houses in Contemporary*. Proceedings of Iranian Congress of Architecture and Urban Planning. Tehran: Cultural Heritage Organization, 4.
- Khakpoor, M. (2006). Native Housing in the Rural Communities of Guilan. *HONAR-HA-YE-ZIBA*. 22, 63-72.
- Khakpoor, M., Ansari, M., & Tahernian, A. (2011). The Typology of Houses in Old Urban Tissues of Rasht. *HONAR-HA-YE-ZIBA*. 2(41), 29-42.
- Martin, K., & Voorihles, B. (1975). *Female of the Species*. New York: Columbia University Press.
- Mashayekh, A.K., Kenin, A.H., Gerami Motlagh, A., & Zamani, A.R. (2013). *Bushehr Province*. Tehran: Publishing company of Textbooks of Iran.
- Movahed, M., Enayat, H., & Mardani, M. (2013). Study of the Factors Related to the Power Distribution Structure in the Family (Case Study of Married Women in Shiraz). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*. 1(3), 159-178.
- Nersisians, E. (2012). *Anthropology of Gender*. Tehran: Afkar.
- Norberg-Shulz, C. (2006). *The Concept of Dwelling: on the Way to Figurative Architecture*. (M. Yarahmadi, Trans.). Tehran: Agah.
- Palasma, J. (2011). Identity, Intimacy and Domicile. (A. Majd, Trans.). *Journal of Cinema Industry*. 97, 116-121.
- Ramezan Jamaat, M., & Neyestani, J. (2011). The Effects of Tradition and Modernity in the Entrance Spaces of the Houses of Tehran During the Qajar Period. *HONAR-HA-YE-ZIBA*. 2(44), 65-75.
- Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture*. United State of America. University of Wisconsin Milwaukee.
- Stoler, A. (1977). Class Structure and Female Autonomy in Rural Java. *Journal of Women in Culture and Society*, 3(1), 74-89.